

تقدس نقش سرو در هنر ایران

*
نازنین کوهزاد

چکیده: هدف از این پژوهش در واقع بررسی نقش سرو در آثار هنری ایران و ارتباط آن با عقاید آئینی، رسوم و فرهنگ ایرانیان می‌باشد. در این راستا نقش سرو از دوران کهن بر روی آثار گوناگون هنری، میزان تأثیر آن بر روی باورهای ایرانیان و یا بالعکس تأثیر باورها، عقاید و آئینهای ایرانیان بر روی نقش‌مایه سرو و در نهایت افکار خاص وابسته به این نقش‌مایه مورد بررسی قرار گرفته است. تصویر نمودن نقش سرو در آثار گوناگون هنری، می‌تواند دلیلی بر اهمیت این نقش و نیز عقاید خاص مذهبی ایرانیان باشد که از دیرباز آغاز و تا دوران اسلامی ادامه یافته است. این نقش‌مایه دارای مفاهیم عمیقی است و به همین دلیل آن را بر روی آثار گوناگون و به اشکال متنوع می‌توان دید. در این مقاله سعی بر آنست تا وجه نمادین و آئینی این نقش زیبا مورد شناخت و معرفی قرار گرفته و در نهایت تقدس آن شناخته شود. روش کار در تحقیق، اسنادی است و در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که نقش سرو نمادی از آزادی، آزادگی، سایه گستری، جوانی و... می‌باشد و تأثیر آن بر عقاید و آثار ایرانی و تأثیرش از آنها غیر قابل انکار است.

واژگان کلیدی: سرو، نماد، تقدس، آثار هنری

◆ مقدمه

یکی از گرانبهاترین و قدیمی‌ترین میراث به جا مانده از گذشتگان و هنر آنها نقوش سنتی است. نقوشی که ریشه در دل فرهنگ ما دارد، نقوشی که با قلب تاریخ پییده و به زندگی ادامه داده‌اند. ایرانیان از دیرباز اهل تفکر بوده‌اند و در خلال این تفکرات، عقاید و باورهایی شکل گرفتند که پایه بسیاری از آداب و رسوم و آئین‌های آنها شد. آنها برای نمایش باورهای خود از نمادها و نقوش استفاده می‌کردند. یکی از این نقوش، نقش درخت زیبای سرو می‌باشد. این نقش در اکثر هنرهای سنتی ایران استفاده می‌شود و این خود دلیل اهمیت این نقش در میان نقوش طبیعی است که همواره در طول تاریخ هنر ایران بر روی مصنوعات دیده شده‌اند؛ این نقش زیبا برای نمایش آزادی، سرفرازی، جوانی، پایداری و... بکار گرفته شده است. در این مقاله به شناخت بیشتر این نقش می‌پردازیم و مفاهیم مربوط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در این راستا به بررسی این نقش در آثار مختلفی چون نقوش برجسته و تندیس‌ها، قالی‌ها، منسوجات، سفالینه‌ها و کاشی‌ها می‌پردازیم.

۱: تقدس درخت در ایران

در میان عناصر طبیعی، آنچه درخت را از سایرین متمایز می‌کند، استواری و مقاومت آنست. این وجه متمایز درخت باعث گردیده که افسانه‌ها، باورها و آئین‌هایی در ارتباط با درخت از زمان کهن تا کنون بوجود آید؛ تا جایی که می‌بینیم در عصر حاضر هنوز ایرانیان به بعضی درختان پارچه‌های سبز می‌بندند تا خداوند دعای آنها را مستجاب کند. آنچه از این اعمال می‌توان درک کرد اینست که ایرانیان درخت را مقدس و آن را جزئی از باورهای آسمانی خود می‌پندارند و به ارتباطی ماورائی میان درخت و نیروهای آسمانی باور دارند. «زیباپسندی و علاقه ایرانیان باستان به درخت تا به آنجا کشید که پیامبرش سروی از بهشت به ارمغان آورد و در کاشمر کاشت. داستان سرو کاشمر و تقدس آن معروف است و در شاهنامه فردوسی و بسیاری از کتابهای تاریخی ذکر آن رفته است (آنچنان است که زرتشت درخت سرو را در کاشمر کاشت) که به قول دقیقی، چنان کهن شده بود که کمند بر گرد او نگشتی. و باز در جایی دیگر آمده است: سرو راست قامت، مانند مورد و هوم مقدس و از دیرباز، علامت خاص ایرانیان بوده است. که مطابق روایات ایرانی،

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی دانشکده هنر و معماری دانشگاه کاشان.

زردشت این درخت را از بهشت آورد و در پیش در آتشکده کاشت (سرو کاشمر). (عطروش، ۱۳۸۵، ۳۴ و ۳۵)

در ایران به دلیل قداستی که برای درخت، بخصوص درخت سرو قائل می‌باشند، از بریدن و قطع کردن این درخت زیبا جلوگیری می‌شود و در جای جای شهرها می‌بینیم که برای زیبایی هر چه بیشتر از آن استفاده می‌شود؛ تا جاییکه تعدادی از این درختان هستند که قداستی چند هزار ساله یافته‌اند و به دلیل تقدس و روحانیتی که دارند، از قطع کردن آنها جلوگیری می‌شده است. «یکی از نمونه‌های این درخت زیبا سرو مشهور ابرقو می‌باشد. (تصویر ۱) این سرو در بین مردم تا حدی از وجه تقدس برخوردار است، که اگر از نزدیک آن را مشاهده کنید پارچه‌ها و نخهایی دیده می‌شود که مردم به قصد تبرک و به دلایل مذهبی دیگر به شاخه‌های آن بسته‌اند و این، ریشه در تاریخ کهن این دیار دارد.» (همان، ۳۵)



تصویر ۱: سرو چهار هزارساله ابرقو (برقو).

را گرامی می‌داشتند. شاهد این ادعا می‌تواند این باشد که در آثار گوناگون هنری در ایران از نقش سرو به شکلی استفاده شده است. همانطور که می‌بینیم، درخت سرو در نقوش برجسته دوران باستان جایگاهی ویژه دارد؛ همینطور در فرش‌ها و قالی‌های ایرانی درخت سرو به صورت بته جقه که شکل تغییر یافته درخت سرو می‌باشد، نمایان می‌گردد. در سفالینه‌های ایران می‌توان درخت سرو را در کنار نقوش دیگر دید که هر کدام اشاره‌ای دارد به باور، اعتقاد و یا رسمی خاص.

۲-۱: درخت سرو در اساطیر ایران

به دلیل قداستی که ایرانیان برای سرو قائلند، افسانه‌های جالبی در مورد آن در ادوار تاریخی خلق شدند تا جاییکه این افسانه‌ها کم‌کم جنبه مذهبی و مقدس یافت و وارد عقاید مردم گردید. شاید از دلایل اینکه این درخت نزد مردم ایران مقدس می‌باشد، ظاهر این درخت باشد که باوقار، محکم و سرفراز به آسمان اشاره دارد.

«در ایران دوره هخامنشی و ساسانی، درخت سرو درخت زندگی به شمار می‌رفته است.» (دادور و منصور، ۱۳۸۵، ۱۰۰)

«درخت زندگی به رمز "محور جهان" بر اثر داد و ستد متقابل میان تمدن‌ها، انواع و اقسام درختان قدسی که بر غنای تصویر اولیه می‌افزایند، می‌پیوندند. درخت زندگی معمولا در تصاویر و نقوش، میان دو راهب و کاهن یا دو جانور افسانه‌ای قرار دارد که نگاهبانان به شمار می‌روند. درخت زندگی رمز نیروی مقدس و بیمناکی محسوب می‌شود. برای چیدن میوه‌هایش که از آن اکسیر ملکوتی موروث طول عمر به دست می‌آید باید با هیولاهای نگاهبانان در آمیخت.» (همان، ۹۹)

همانطور که می‌بینیم، نزد ایرانیان، درخت سرو به صورت نمادی مقدس در آمده است؛ این مسأله پیشینه‌ای گران‌بها در خود دارد. اعتقادات و باورهای ایرانیان، با سبزی، قامت بلند، سرفرازی و سکوت این درخت زیبا گره خورده و به صورتی نمادین متبلور شده است. هنرمندان ایرانی نیز به علت بهره‌هایی که از این باورهای زیبا برده‌اند، المان‌های سرو را به صورت‌های گوناگون به صورت منفرد و یا همراه با نقوش دیگر در آثار خود بکار گرفته‌اند تا با ثبت آن آرامش را به مخاطبین خود هدیه دهند.

با گذشت سالیان متمدنی، نقش سرو با اینکه از اعتقادات اولیه و آئین‌های گوناگون نخستین فاصله گرفته، ولی هنوز هم نزد ایرانیان مقدس می‌باشد و همانطور که در تمامی شهرهای ایران زمین می‌توان دید، درخت سرو نقشی اساسی در تزئین شهرها دارد.

۱-۱: درخت سرو

آنچه از نام علمی سرو می‌توان دریافت، اینست که دارای نوعی تقارن و هماهنگی می‌باشد.^۱ این درخت در فرهنگ ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و از هزاران سال پیش تا کنون مورد علاقه ایرانیان بوده است. درخت سرو با اعتقادات و آئین‌های ایرانیان پیوند عمیقی دارد و از آنجا که ایرانیان همواره مردمی سنتی بودند، برای بسیاری از المان‌های طبیعی از جمله درخت سرو احترامی خاص قائل بوده و آن

پیمان داری و میانه روی و دادگستری را در نهاد خود نیز پرورش دهند و آن آئین را « آئین مهر» نامیدند.

آئین مهر در ایران و بسیاری از کشورهای جهان هزاران سال پایدار ماند و پیروان فراوان یافت چنان که در سده اول پیش از میلاد، این آئین توسط رومی‌ها در سراسر قاره اروپا، غرب و شمال آفریقا و آسیای کوچک و پیرامون دریای سیاه منتشر شد و طی پنج سده در بخش بزرگی از جهان گسترش یافت.

به نظر می‌رسد که آئین مهر را می‌توان « مادر همه آئین‌ها» دانست و هنوز نیز بسیاری از نمادها و سنت‌های این آئین کهن به صورتهای گوناگون در باورها و سنت‌های پیروان آئین‌های دیگر در میان ایرانیان و دیگر ملت‌های جهان زنده مانده است که یکی از آن‌ها «جشن یلدا» است. در باور پیروان آیین مهر، سرو درختی است که ویژه خورشید و زایش مهر است؛ درختی که همیشه سبز و با طراوت است و در برابر سردی و تاریکی پایداری میکند. از این روی سرو نماد مهر تابان و زندگی بخش و نشانه نامیرایی و آزادگی و پایداری در برابر نیروهای مرگ‌آور بود. از این روی در شب زایش مهر، « سرو مهر» را می‌آراستند و هدایایی در پایش می‌نهادند و با خود پیمان می‌بستند که برای سال دیگر نیز سرو همیشه سبز دیگری بنشانند. براین پایه، درخت سرو از دیرباز تاکنون عضوی ثابت و جدانشدنی از باغ‌های بهشت‌گونه ایرانی است که یادگار آن باغ‌های بهشتی هنوز بر روی سنگ نگاره‌های شهر پارسه و آثار برجای مانده از نیایشگاه‌های مهری و نقش‌های ابریشمی قالی‌های باغی ایرانی و بسیاری دیگر از آثار هنری دوره‌های مختلف تاریخی از گبه و گلیم و ترمه گرفته تا مینیاتور و کاشی کاری در بناهای مختلف برجای مانده است.» (www. Irannameh.mht)

۲: نقش درخت سرو در آثار هنری ایران

۲-۱: تصویر درخت سرو در نقوش برجسته و تندیس‌ها
از آنجا که در اکثر بناهای ایران باستان مخصوصاً بناهای مذهبی، نقش سرو را به صورت نقش برجسته می‌بینیم، اینکه این درخت به گونه‌ای جنبه آئینی یافته پی می‌بریم. «درخت کاج یا سرو ویژه خورشید است. درختی همیشه سبز و با طراوت کنایه از بهار است اما در این باره برخی او را وابسته به ماه می‌دانند. در عین حال، مظهری از جنبه مفرح و مثبت زندگی است. از این رو، هنوز هم مکان‌های مذهبی در ایران با سرو احاطه می‌شوند. زرتشت در اوستا به نوعی از سرو اشاره می‌کند و آن را درختی بهشتی خطاب می‌کند که برگش دانش است و برش خرد،

در لغت‌نامه دهخدا درباره درخت سرو آمده است: «سروی که راست رود و آن را به این اعتبار آزاد گفته‌اند که از قید کجی و ناراستی و پیوستن به شاخ دیگر فارغ است و بعضی گویند هر درختی که میوه ندهد، آن را آزاد خوانند، چون سرو میوه ندهد، آن را آزاد خوانند و جمعی گفته‌اند هر درختی را کمالی و زوالی هست، چنانکه گاهی پربرگ و تازه است و گاهی پژمرده و بیبرگ و سرو را هیچیک از آنها نیست و همه وقت سبز و تازه است و از این علتها فارغ و این صفت آزادگان است، بدین جهت آزاد باشد.»

انتساب صفت آزادی و آزادگی به سرو در نوشته‌های گوناگون اعم از کتب هنری، اساطیری، تاریخی و... نشان از آن دارد که از دیرباز این درخت سمبل و نماد این صفات نزد ایرانیان بوده است و از آنجا که واژه آزاد خود تغییر یافته آریا و آریایی می‌باشد، با اقوام آریایی که در ایران ساکن شدند، هماهنگی زیبایی می‌یابد.

«در باورهای اسطوره‌های ایران انتساب صفت آزادگی به سرو یادگار ارتباط آن با ناهید^۲ است که در اساطیر و افسانه‌ها رمزی از آزادی و آزادگی به شمار می‌رود.» (باجفی، ۱۳۷۵، ۲۴۵)

۳-۱: درخت سرو در آئین مهر

یکی از آئین‌های باستانی در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر، آئین مهر می‌باشد. به دلیل اینکه اعتقادات مردم در روزگاران باستان شباهت زیادی به هم داشتند، این آئین در میان مردم سایر نقاط هم رایج گردید و نمادهای آن به اشکال گوناگون بر روی آثار باستانی ثبت گردید.

«گرامیداشت درخت سرو در فرهنگ ایران با گسترش آیین مهر در ایران کهن در پیوند است. در هزاره‌های دور نیاکان هوشمند ما که در طبیعت و با طبیعت زندگی می‌کردند، پس از مشاهده خورشید و ماه و ستارگان و تجربه تغییرات طبیعی فصول و کوتاهی و بلندی روز و شب، فعالیت‌های روزانه خود را بر بنیان این پدیده‌های طبیعی و دگرگونی‌های آنها تنظیم کردند و از آنها بهره‌های فراوان بردند. از این روی "زندگی بخشی" این پدیده‌های طبیعی را ستودند و از میان این پدیده‌های طبیعی، خورشید که با پرتوهایش (مهر) به این زمین و همه زیست‌مندان روی آن گرمای زندگی می‌بخشید، بیش از همه مورد ستایش قرار گرفت. سپس نیاکانمان با ژرفنگری در بزرگترین منشاء نور مادی (خورشید) و با شناخت اثرات زندگی بخش پرتوهای آن (مهر) به شناخت درونی بزرگترین منشاء نور مینوی (خداوند) دست یافتند و فروزهای پاک و جاودانش همچون مهر و محبت مینوی را ستودند و کوشیدند تا برترین صفاتی را که برای او متصور بودند همچون مهرورزی و

و هر کسی میوه آن را بچشد جاودانه خواهد شد. درخت سرو درختی است همیشه سبز و تا حدودی جنبه مذهبی هم دارد. نمونه‌های از این درخت را می‌توان در زمان هخامنشی در بدنه پلکان‌های شرقی کاخ آپادانا تخت جمشید مشاهده نمود، زیرا در نظر ایرانیان باستان در آن زمان درخت سرو از اهمیت زیادی برخوردار بوده و سمبل گیاهی نامیده می‌شده است. (تصویر ۲) ضمن اینکه به درخت زندگی در میان مردم مشهور بوده است. (دادور و منصور، ۱۳۸۵، ۱۰۲)



تصویر ۲: درخت سرو در سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید.

نقوش مکرر درخت و گل در جای جای تخت جمشید، نشان از علاقه به گل و گیاه در زمان هخامنشیان دارد. در این دوران هر کدام از این نقوش احتمالاً به موجودی ماورائی اشاره دارند؛ زیرا این نقوش در کنار نقش اهورامزدا نیز دیده شده‌اند و برای نمایش تفکر و یا آئینی خاص، در آن زمان در معرض دید همگان قرار می‌گرفتند. «سرو نماد اهورامزدا، نخل نماد میترا و نیلوفر نماد آناهیتا که در مکان‌های مخصوص در تخت جمشید حجاری شده و بازگو کننده اعتقادات و احترام آنها به این هدیه اهورایی می‌باشد. هنوز در مکان‌های مقدس و مذهبی ایران درخت سرو کهنسال را می‌توان دید. درخت، به خصوص سرو و هزاران گل و بته که شاید نشان خورشید (مظهر عظمت و عطوفت) باشد، به صورت تزئین در هنر و معماری سنتی ایران بسیار دیده می‌شود. از جمله در دو پلکان بزرگ کاخ آپادانا که در طرف شمال و

مشرق آن قرار دارد و یک قسمت آن سپاه جاویدان و قسمت دیگر نمایندگان ۲۳ کشور تابع هخامنشیان را نشان می‌دهد، که از دورترین نقاط برای شرکت در مراسم نوروزی به تخت جمشید آمده‌اند که هر دسته از دسته دیگر بوسیله درخت سروی مجزا می‌شود» (عطروش، ۱۳۸۵، ۶۰).

به دلیل اینکه در نقوش برجسته از نقوشی مانند درخت سرو و نیلوفر بوفور استفاده شده، می‌توان اینگونه برداشت کرد که این دو گیاه در زمان باستان بسیار مورد توجه، احترام و تقدس بوده‌اند؛ محل قرار گرفتن این نقوش در اطراف و یا بالای نقوش انسانی و استفاده از این نقوش مخصوصاً نقش سرو به عنوان عاملی که گروه انسان‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند، می‌تواند به تفکری خاص اشاره کند و یا نمادی خاص و مقدس را معرفی نماید. «تصویر ۳»

در این مورد بنظر می‌رسد اشاره به صفات سرو یعنی آزادگی و یا همان تقارن و هماهنگی در مورد نقوش انسانی دور از ذهن نباشد و القای این صفات را در مورد انسان یادآوری می‌کنند.



تصویر ۳: نقش سرو در پلکان شرقی کاخ آپادانا (تخت جمشید).

در دوران اشکانی نیز میتوان طرح و نقش سرو را در بعضی آثار دید. برای مثال می‌توان به مجسمه پادشاهی اشاره کرد که چیزی شبیه به یک درخت سرو کوچک که نشان تقدس و احترام میان اشکانیان می‌باشد، بر سر نیزه دارد. جلیل ضیاءپور در توضیح این مورد می‌گوید:

«کف دست او به علامت حرمت بالاست و در دست چپش

شاخه برگی قرار دارد» (عطروش، ۱۳۸۵، ۶۰).

این شاخه برگ بسیار شبیه به درخت سرو می‌باشد و شباهت زیادی به نقوش برجسته هخامنشی دارد. (تصویر ۴)



تصویر ۵: سرستون شیردال دیس با بال‌های شبیه به سرو، قلعه یزدگرد.



تصویر ۶: لوح گچبری تزئینی، بال‌ها شبیه به سرو، تیسفون.

می‌دانیم در واقع نقش "بته" تغییر شکل یافته درخت سرو می‌باشد که وارد هنرهای مختلف از جمله قالی شده و به این نام معروف گردیده است.

«شکل بته در طرح‌های فرش به گونه‌ها و اندازه‌های مختلف به چشم می‌خورد. (تصویر ۷) گاهی چنان بزرگ که چندتایی از آن برای پوشش سطح فرش کفایت می‌کند ولی در بیشتر موارد به اندازه‌های کوچک در ردیف‌های موازی در متن فرش و یا به دنبال یکدیگر در حاشیه قالی دیده می‌شوند. گاهی در سبک شاخه شکسته ولی اغلب در سبک منحنی به سر انگشت طراح می‌آید» (بصیری، ۱۳۸۲، ۴۴).



تصویر ۷: گونه‌های مختلفی از طرح بته که در فرش استفاده می‌شوند.



تصویر ۴: مجسمه اشک دهم اشکانی با شیئی شبیه به سرو در دست.

در هنر دوران ساسانی نیز می‌توان به نقوشی اشاره کرد که شبیه به سرو خمیده می‌باشند و اکثراً در حکم بال برای حیوانات گوناگون یا به صورت بال‌های منفرد به کار رفته‌اند و همین مورد می‌تواند قداست این نقش را بازگو کند؛ زیرا از روزگاران کهن برای نشان دادن روحانیت از بال استفاده می‌شده است؛ «بال بر روی بدن انسان یا حیوان، علامت ایزدی و نماد قدرت محافظت است» (هال، ۱۳۸۰، ۳۰). حال نشان دادن بال به شکل سرو خمیده جنبه روحانیت نقش سرو را نشان می‌دهد. (تصاویر ۵ و ۶)

۲-۲: تصویر درخت سرو در قالی‌های ایران

یکی از بسترهای مناسب و زیبا برای آفرینش نقش سرو، قالی می‌باشد. قالی مانند چمن‌زاری است که در بردارنده گل‌ها، درختان، حیوانات و سایر زیبایی‌های طبیعت می‌باشد. از جمله موتیف‌ها و طرح‌های زیبایی که در قالی ایران بسیار رایج است، نقش "بته جقه" است؛ همانطور که

الف) نقش سرو در پارچه‌ها

نقش بته، از مرسوم‌ترین نقوش در پارچه‌های سنتی ایران است. در اکثر قلمکاری‌ها و پته‌دوزی‌ها این نقش را میتوان دید. در طول تاریخ نمونه‌های نفیسی از پارچه‌های ایران با این نقش، که در واقع نقش ساده شده درخت سرو می‌باشد، به یادگار مانده است.

«در دوران ساسانی در نقش منسوجات نیز میتوان نقش درخت سرو را دید. نقش تزئینی این منسوجات اغلب عبارتست از دایره‌های جدا یا مماسی که نویسندگان پیشین آنها را دایره‌های چرخ وار مینامیدند. همانطور که انتظار داریم در این ترکیبات تزئینی موضوع‌هایی می‌یابیم که متعلق به کهن‌ترین تمدن‌های آسیای مقدم و فلات‌های ایران است. ایران ساسانی این میراث را گرد آورده و شکوه مذهبی یا حماسی آن را دوباره زنده گردانیده است. حیوانات جاندار محاط در این چرخ‌ها یا دایره‌ها اغلب بطور قرینه رویاروی یا پشت هم قرار گرفته‌اند و یک درخت مقدس و یا یک آتشدان در میان آنها نقش شده است.»

(تصویر ۹) (گیرشمن، ۱۳۴۰، ۱۸۹)



تصویر ۹: پارچه ابریشمی سیاه و سفید، قرن چهارم و پنجم هجری.

نمونه دیگر یک پارچه مخمل متعلق به دوره صفوی می‌باشد. طرح درخت سرو را می‌توان میان دو انسان مشاهده کرد. در میان نقوش تصویر شده در این پارچه آنچه بیش از همه جلب توجه می‌نماید، نقش دو مرد و بعد از آنها نقش درخت سرو می‌باشد؛ که با توجه به همین مسأله می‌توان به اهمیت این نقش در میان سایر نقوش پی برد. (تصویر ۱۰)

در مورد معنا و مفهومی که این نقش میتواند داشته باشد، به آرای متفاوتی بر می‌خوریم؛ زیرا این نقش به اشکال گوناگون و در مکان‌های مختلف همچنین در هنرهای متفاوت ایران زمین به چشم می‌خورد. حال اگر بخواهیم فلسفه و معنای این نقش زیبا را با توجه به تفکرات، عقاید، باورها و مذهب هنرمند خالق اثر مورد شناخت قرار دهیم، به نظر دور از دسترس می‌آید. «تصویر ۸»



تصویر ۸: درخت سرو در قالی کرمان.

«در اینکه نقش اولیه بته بیانگر چه نقشی بوده است و یا بیان تجریدی و استیلیزه چه گیاه، جانور، انسان و یا چیز دیگری است، اقوال مختلفی بیان شده است. گرچه برخی آن را به مرغ، برگ گل، درخت و شعله آتش تشبیه کرده‌اند، لیکن فرض شباهت نزدیک آن به درخت سرو که در نقاشی مینیاتور و ادبیات فارسی جایگاهی ویژه دارد معقول‌تر به نظر می‌رسد» (یساولی، ۱۳۷۵، ۱۲۴).

۲-۳: تصویر درخت سرو در منسوجات ایران

نقش درخت سرو یا همان نقش معروف "بته" به دلیل نزدیکی دو هنر زیبای نساجی و قالیبافی، به پارچه بافی نیز رسوخ کرد. در بسیاری از آثار پارچه بافی ایران می‌توان نقش بته را بصورت برجسته‌ای در میان نقوش دیگر مشاهده کرد که این خود دلیلی بر اهمیت ویژه این نقش در هنر ایران می‌باشد.

ب) تصویر سرو در ترمه

ترمه از جمله پارچه‌های با ارزشی است که در آن بوفور از نقش سرو خمیده استفاده شده است که میراث دوران صفوی و قاجار می‌باشد و به صورت هدیه‌ای با ارزش بر روی جهیزیه دختران قرار داده می‌شده است و همواره مورد احترام بوده است. در ترمه از رنگ‌های اصیل و پخته استفاده می‌شود و طرح‌های آن اغلب نقوش گیاهی است که با نقش سرو خمیده ترکیب می‌شود. «تصویر ۱۲»



تصویر ۱۲: ترمه با طرح بته جقه.

پ) تصویر سرو در پته‌دوزی

پته‌دوزی نوعی سوزن‌دوزی بر روی پارچه می‌باشد و بیشتر در کرمان انجام می‌شود. «در این هنر، طرح شامل دو بخش حاشیه و زمینه است. نقش‌های طرح حاشیه پته‌ها عبارتند از: خط‌های مستقیم، انواع گل‌ها، شکل‌های هندسی مانند مثلث، مربع، مستطیل و خط‌های شکسته: ختایی، طوماری، بادامی و سروچه. نقش‌های طرح زمینه پته‌ها عبارتند از: ترنج بته جقه یا درخت زندگی، درختی، سرو، گل‌های بادامی بزرگ و گاهی نقش‌های حیوانات و پرندگان. گل‌های بادامی را بیشتر در چهارگوشه پارچه در می‌آورند.» (عطروش، ۱۳۸۵: ۱۲) «تصویر ۱۳»



تصویر ۱۳: پته با نقش بته جقه.



تصویر ۱۰: پارچه مخملی، اصفهان، اواخر قرن یازدهم هجری.

نمونه پارچه‌های زیبای ایرانی با نقش بته یا درخت سرو را در پارچه‌ای در دوران قاجار می‌توان یافت. گفته می‌شود که این طرح در واقع مربوط به این دوران می‌باشد، که به صورت قطره اشک تصویر شده است. «تصویر ۱۱»
 «اما طرحی که در اصل مربوط به دوران قاجار باشد، طرح بته جقه (گل) با شکل مشخصه آن، قطره اشک و همچنین شامل ترسیم‌های متنوعی شبیه به میوه درخت کاج، درخت سرو، گل‌لایی، تاج درخت خرما، طرح اشک گونه‌ای از نام الله، جواهرات تاج شاه و غیره است. این طرح‌ها با شکل گیاهی که در اثر نسیم خم شده است بیش از پیش، سنتی‌تر می‌شوند. به موازات افزایش تزئینات موجود در آن حس حرکات گیاهی رخت بر می‌پندد. نگرشی کلی بر روی طرح، توجه انسان را موکداً از ساقه گیاه به سر آن منتقل می‌سازد و این گیاه‌گلدان را بیش از پیش مشابه با گل پیاز تازه جوانه زده، نشان می‌دهد.» (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۴۰)



تصویر ۱۱: پارچه با نقش سرو خمیده، دوران قاجاریه.

۴-۲: تصویر درخت سرو در سفالینه‌ها و کاشی‌ها

در دوران باستان نقوش گیاهی از جمله متداولترین نقوش بکار رفته بر روی سفالینه‌ها و کاشی‌ها بودند. این نقوش اکثراً شامل گیاهانی بودند که انسان کشت می‌کرده و در واقع منبعی از منابع تغذیه انسان به شمار می‌رفته‌اند؛ مثلاً نقوشی که احتمالاً گندم و یا از همین خانواده‌اند و زیر آنها خطوطی موج دیده می‌شود که المانی از آب می‌باشد که به نظر می‌آید اشاره به کشت گیاهانی دارد که منبع تغذیه انسان‌ها می‌باشند و آنقدر برای انسان دارای اهمیت بودند که نقش آنها را بر روی دست ساخته‌های خود و احتمالاً با این نیت که باعث ازدیاد نعمت شوند، می‌آوردند. در دوران اسلامی نیز نقوش گیاهی بسیار متداول گردیدند و در این میان نقش سرو جایگاهی ویژه دارد. این نقش در کنار انواع نقوش انسانی و حیوانی بر روی سفالینه‌ها و کاشی‌ها کار شده است. هنرمندان دوران اسلامی با همان اعتقادات پاک خویش این نقش مقدس را به اشکال گوناگون بر روی آثار خود جاودانه ساختند.

الف) نقش سرو همراه با نقوش انسانی

تصویر سرو در کنار نقوش انسانی در دوران اسلامی بسیار جالب توجه می‌باشد؛ زیرا این ترکیب‌بندی تفکرات پیشین درباره صفت آزادی و آزادگی سرو و انتساب آن به ایرانیان را زنده می‌گرداند.

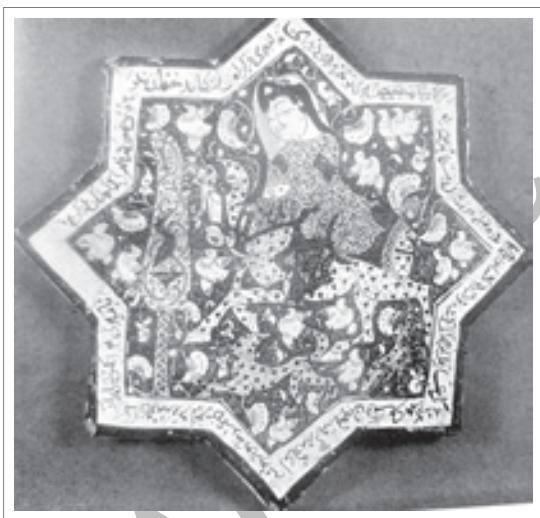
از مهم‌ترین نمونه‌های این نقوش می‌توان به تصویر زن و مرد در طرفین درخت سرو اشاره کرد. در برخی منابع از جمله کتاب "سفال و سفالگری در ایران"، این زن و مرد را لیلی و مجنون می‌دانند. این تصویر دارای مشخصات تصویرسازی دوران اسلامی است. هاله دور سر زن و مرد، حالات دست‌ها و مشخصات چهره همگی به قداست طرح کمک می‌کنند. درخت سروی که در میان آنها قرار دارد، می‌تواند اشاره‌ای به درخت زندگی داشته باشد و یا صفات جوانی، شادابی و پایداری دو شخص حاضر در این اثر را یادآور شود. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴: کاسه مینایی با نقش زن و مرد.

«کاشی‌های دوران اسلامی نیز بستری مناسب برای طرح‌های انسانی، حیوانی و گیاهی بودند. نوع صحنه‌های معمولی یا متداولی که به مدت یک سده بر روی کاشی‌های ستاره‌ای شکل به کار برده می‌شد، شامل نقشمایه‌های انسانی منطبق با یک نوع نقشمایه انسانی متداول بوده که نمایانگر دلپذیرترین نوع زیبای ایرانی بوده که ویژگی‌های آنها شامل صورت‌های ماه مانند، چشم‌های کشیده، ابروهای بهم پیوسته و موهای پرپشت بلند به هم بسته شده‌اند.» (پورتر، ۱۳۸۰: ۴۳)

نمونه‌ای از این نوع کاشی‌ها، فردی را سوار بر اسب نشان می‌دهد که حیوانات، پرندگان و گیاهان اطراف او را پر کرده‌اند و در برابر او یک درخت سرو قد علم کرده است. گویی این شخص در بهشت قدم گذارده و با فروتنی به درخت سرو روبروی خود می‌نگرد. با نگرستن به اینگونه تصاویر حسی از روحانیت در انسان برانگیخته می‌شود؛ حتی فرم این کاشی‌ها به صورت ستاره هشت پر، نوعی قداست خاص به کل اثر می‌دهد و آن را از حد کاشی‌های معمولی بالاتر و والاتر می‌برد. (تصویر ۱۵)



تصویر ۱۵: کاشی ستاره‌ای زرین‌فام با نقش انسان و سرو.

در این ارتباط باز هم می‌توان به کاسه‌های متعلق به قرن دوازدهم یا سیزدهم میلادی اشاره کرد. «تزئینات این کاسه از موضوع شمایل‌نگاری پیروی کرده است: یک زوج شاهزاده زیر درختی در باغی، نزدیک نهر یا یک حوضچه کوچک نشسته‌اند و پرنده‌هایی بالای سرشان در پروازند. این صحنه به ظاهر ساده اغلب سرشار از فضایی اندوهبار است؛ زیرا زوج به یکدیگر نگاه نمی‌کنند و در این مورد به نظر می‌رسد که عمیقاً در فکند. در اطراف این ظرف می‌توان تکرار کلمه "العز" و در داخل ظرف "البر" را دید.» (گروه، ۱۳۸۴: ۱۸۸) درخت میان این دو زوج درخت سرو

در کاشی‌های دوران اسلامی نیز می‌توان نقش سرو را همراه با نقوش حیوانی دید. «این کاشی‌ها شامل کاشی‌های پیکره‌های و غیر پیکره‌های بودند. از آنجایی که این احتمال وجود دارد که کاشی‌های پیکره‌ای عمدتاً برای استفاده غیر دینی اختصاص و کاشی‌های بدون پیکره برای موقعیت‌های مذهبی در نظر گرفته می‌شده. اما این مسأله روشن است که تعدادی از کاشی‌های پیکره‌های در مقبره‌های شیعی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.» (پورتر، ۱۳۸۰، ۳۶) بر روی یکی از کاشی‌های هشت پر ستاره‌ای و چلیپایی زرین فام متعلق به کاشان نقش سرو را در کنار نقش دو حیوان گربه‌سان به تصویر کشیده‌اند. (تصویر ۱۸) در اطراف این کاشی‌ها اشعاری از شاهنامه به خط نسخ نوشته شده است. این کاشی زمانی متعلق به امامزاده جعفر در دامغان بوده (۴)، گرچه به گفته خانم پورتر به تصویر کشیدن زندگی در اماکن مذهبی مرسوم نبوده است.



تصویر ۱۷: کاشی زینفام با نقش حیوان و سرو.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که اقوام ایرانی و یا بهتر است بگوئیم اقوام آریایی صفت آزادگی را بسیار با اهمیت می‌دانستند و به همین دلیل در زبان، فرهنگ و آداب و رسوم خویش آنرا گرمی داشته و در آثار خود از نمادها برای نمایاندن این صفت نیکو بهره می‌گرفتند. سرو به دلیل اینکه در سرمای زمستان همچنان سبز باقی می‌ماند و قامت بلند آن ایستادگی و مقاومت را القاء می‌کند، از دیرباز نمادی از آزادگی، پایداری، استقامت، جوانی و... بوده است. سرو با فرم خاص خود، اشارتی به آسمان دارد و چه زیباست اشاره سرو به آسمان که خود سمبلی از آزادگی و الوهیت است. سرو از دیرباز همواره نمادی در خور توجه بوده و به

می‌باشد که بسیار تنک و نازک است که حالت اندوه این صحنه را بیشتر می‌کند. (تصویر ۱۶)



تصویر ۱۶: کاسه مینایی با نقش انسان و سرو.

ب) نقش سرو همراه با نقوش حیوانی

در ارتباط با تلفیق نقوش گیاهی و حیوانی، مورد بسیار جالب توجه ترکیب نقش سرو با نقش پرندگان می‌باشد؛ در این نقوش، بال پرندگان به صورت نقش سرو در آمده و این ترکیب از دوران باستان رواج داشته است. این ترکیب بر تقدس نقش سرو تاکید می‌کند؛ زیرا از دیرباز نقش پرندگان اشاره به آزادی، رهایی، شکوه و... داشته و در ترکیب با نقش سرو بر معنای سمبلیک آن تأکید می‌شود.

در نمونه‌ای از یک کاسه مخروطی متعلق به کاشان، همراهی نقش سرو با نقش حیوان مشهود است؛ «گودی داخل این کاسه با منظرهای نادر تزئین شده که پلنگی غزالی را پاورچین پاورچین تعقیب می‌کند؛ در مرکز کاسه درخت سروی در کنار نهری پر از ماهی به چشم می‌خورد. تنها قسمتی از بدن پلنگ ترسیم شده، استعاره تصویری پیچیده‌ای که در سفال کاشان ناشناخته است.» (تصویر ۱۷) (گروه، ۱۳۸۴، ۲۱۷)



تصویر ۱۷: کاسه مخروطی با نقش حیوان و سرو، کاشان.

همین دلیل نقش آن بر روی بسیاری از آثار هنری ایران زمین مشاهده می‌شود. در هنرهای سنتی ایران، نقش سرو در کنار نقوش دیگر خودنمایی می‌کند. هرچند در بعضی موارد ممکن است از کنار بعضی نقوش به سادگی گذر کنیم، اما همین نقوش ممکن است معانی پنهانی در وجود خویش داشته باشند؛ در ارتباط با نقش سرو نیز همین گفته صدق می‌کند و باز هم جا دارد بر روی این نقش زیبا پژوهش انجام شود.

در این مقاله به بررسی‌های صورت گرفته به نتایج زیر می‌رسیم:
۱) نقش درخت سرو از قدیم‌الایام از نقوش مورد توجه و علاقه ایرانیان بوده است.

۲) نقش سرو در اکثر آثار یکی از المان‌های اصلی است و این اهمیت این نقش را نشان می‌دهد.

۳) اینکه نقش سرو را در هنرهای گوناگون می‌بینیم دلیل بر اهمیت آن و ارزشی است که هنرمندان برای آن قائلند.

۴) در هنرهای مختلف، نقش سرو منطبق با ماهیت آن هنر بکار رفته و در واقع نوعی الفت و سازگاری با آن هنر پیدا کرده است.

۵) این نقش دارای معانی والایی چون سروری، آزادگی، سرسبزی، جوانی و... می‌باشد و ارتباط میان نقوش را برقرار نموده و به آنها معنایی خاص و مقدس می‌بخشد؛ در واقع نقش سرو در آثار مختلف آنها را از حد آثار معمولی جدا می‌کند.
۶) نقش مایه سرو با صفاتی که به آن نسبت می‌دهند هماهنگی پیدا کرده است زیرا همانطور که می‌بینیم سرو با قامت بلند، ایستادگی در برابر ناملایمات و نیز اشاره به آسمان، نوعی روحانیت و تقدس را نمایان می‌سازد.

۷) در کنار نقوش انسانی، نقش سرو، صفاتی چون آزادگی، جوانمردی و دلاوری را یادآور می‌شود.

۸) نمایش سرو به شکل بال، وجهه الهی و روحانی آن را چند برابر می‌کند و تقدوسی خاص به آن می‌بخشد.

۹) سرو در کنار نقش انسان گاه به صورت شاداب و سرزنده و گاه به صورت اندوهناک و پژمرده نشان داده می‌شود؛ این مسأله خود در تفکر درباره موضوع صحنه تأثیر دارد.

۱۰) نقش بته‌جقه که از نقوش معروف در اکثر هنرهاست، از سرو گرفته شده و با تغییراتی اندک وارد اکثر هنرهای دستی شده و روحانیت خود را به آنها منتقل کرده است.

۲- ناهید یا آناهیتا (Anahita) در پهلوی آناهید، فارسی ناهید به معنای "نالوده، پاک" اساساً صفتی اردوی است.

۳- علامه دهخدا، بته جقه را ساخته شده از پر پرندگان میدانند که بر بالای پیش کلاه پادشاهان ایران است و آن کوچک کرده سرو سرافکننده است؛ نشان ایران و ایرانیان و حکایت‌کننده از راستی و تواضع ایشان است.
۴- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب کاشی‌های اسلامی نوشته ونیتا پورتر، ترجمه: مهناز شایسته‌فر.

◆ فهرست منابع

- ۱- بصیری، محمد جواد، فرش ایران، انتشارات پرنک، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲- بیکر، پاتریشیا، منسوجات اسلامی، ترجمه: دکتر مهناز شایسته‌فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۳- پوپ، آرتور ایهام، شاهکارهای هنر ایران، اقتباس و نگارش دکتر پرویز نائل خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴- پورتر، ونیتا، کاشی‌های اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته‌فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۵- دادور، ابوالقاسم، منصور، الهام، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، انتشارات دانشگاه الزهرا و کلهر، تهران، ۱۳۸۵.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپخانه مجلس، بیتا.
- ۷- عطروش، طاهره، بته جقه چیست، ترجمه: مرتضی ترسلی، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری سی بال هنر، تهران، ۱۳۸۵.
- ۸- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۹.
- ۹- گروبه، ارنست ج، سفال اسلامی، گردآورنده ناصر خلیلی، ترجمه فرناز حائری، نشر کارنگ، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۰- گیرشمن، رمان، هنر ایران، ترجمه: دکتر بهرام فره‌وشی، نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰.
- ۱۱- هال، جیمز، فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۲- یاحقی، محمد جعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، نشر سروش، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۳- یساولی، جواد، مقدمه‌ای بر شناخت قالی ایران، انتشارات فرهنگسرا (یساولی)، تهران، ۱۳۷۵.

◆ فهرست منابع اینترنتی

www.irannameh.mht

- ۱- پایگاه آگاهی رسانی میراث فرهنگی و طبیعی ایران و جستارهای ایران پژوهی
- ۲- شاهین سپنتا، آذرماه ۱۳۸۷.

◆ پی‌نوشت

- ۱- نام علمی سرو از نام قدیمی یونانی آن اقتباس شده است و از دو واژه kuo به معنای تولید و parsio به معنای مساوی مشتق شده است و به مناسبت تقارن شاخه‌ها و تاج آن می‌باشد.